



نهضت یادگیری در کلاس و مدرسه

جمله یادگیری مادام‌العمر است که امروزه دنیای آموزش به آن توجه می‌شود، و این یعنی اینکه یادگیری را پایانی نیست. برای داشتن نسلی توانمند که شایستگی احراز مناصب کلیدی و هدایت مملکت را داشته باشد، نهضت یادگیری باید دارای برنامه‌ریزی اصولی و مبتنی بر علم باشد.

سازگرایبی اجتماعی، که یکی از آخرین نظریه‌های یادگیری است، یادگیری را نوعی تعامل و همیاری با محیط می‌داند؛ یعنی زمینه و بستر فرهنگی جامعه و نیز تجربه‌های یادگیرنده در آن بسیار اثرگذار است. امروزه دیگر تدریس معلم - محور مقتدرانه پاسخگوی نیازهای دانش‌آموز نیست و باید به فرایند یاددهی - یادگیری مستمر، در تعامل با محیط و شرایط زندگی دانش‌آموزان، روی آورد. یکی از اهداف نهضت یادگیری رسیدن به جامعه یادگیری است که ورود به آن از درگاه الگوهای یاددهی - یادگیری یا به عبارتی تعامل میان معلمان و دانش‌آموزان است. پائلو فریره در کتاب «آموزش ستمدیدگان» بر لزوم تعامل میان یادگیرندگان، یاددهندگان و جامعه در فعالیتهای یادگیری تأکید دارد و این بدان معناست که دانش‌آموز را نباید ظرفی خالی تلقی کرد که باید صرفاً از معلومات انباشته شود.

اگر می‌خواهیم به نهضت یادگیری در کلاس و مدرسه دامن بزنیم باید کلاس‌ها را از شیوه کنونی خارج کنیم و در این‌باره نیازمند یک الگوی نظری هستیم (امانی طهرانی، ۱۳۹۴). نکته‌ها و گفته‌ها دربارهٔ نهضت یادگیری در کلاس و مدرسه مرز و پایانی ندارد. با توجه به معنای «نهضت» که در فرهنگ معین جنبش و حرکت معنی شده است، چنین نهضتی باید مبتنی بر پایه‌های استوار علمی و پژوهشی همراه با تجربیات ناب آموزشی بنا شود تا استمرار و ثبات آن، کلاس و مدرسه را به سرمنزل مقصود برساند. با تأمل در پیشرفت‌های آموزشی کشورهای پیشرو در امر آموزش و پرورش درمی‌یابیم که آن‌ها برای آغاز نمودن هر حرکتی در ارکان متفاوت نظام آموزشی خود از پژوهش‌ها و نتایج تحقیقات دانشگاهی و حتی بازنگری کارهای انجام شده بهره‌مند می‌شوند. برای پایه‌گذاری نهضت یادگیری به برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت کلان نیاز است. هر برنامه پس از اجرا باید مورد ارزشیابی قرار گیرد تا بتواند به‌عنوان یک برنامه علمی برای مدت معینی در نظام آموزشی جای گیرد.

یادگیری

مفهوم یادگیری گسترهٔ نامحدودی پیدا کرده است؛ از

یادگیری در کلاس و مدرسه دارای عناصری است که عبارت‌اند از دانش‌آموز، معلم، محتوای آموزشی، ابزارهای آموزش، محیط‌های یادگیری، حیاط مدرسه، کارکنان، والدین و... ضمن اینکه نباید از انگیزه‌های درونی و عاطفی و تنوع فرهنگ و دیگر لایه‌های پنهان و اثرگذار در یادگیری غفلت کرد.

برای پرورش یادگیرنده موفق و به سرانجام رساندن نهضت یادگیری کلاس و مدرسه باید از مواردی سخن به میان آید که از استلزامات مدارس امروز ماست؛ مواردی مانند یادگیری تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری، یادگیری همدردی، یادگیری احترام گذاردن به اقوام و خرده فرهنگ‌ها، یادگیری ماجراجویی‌های علمی، یادگیری مشارکت در کلاس و مدرسه، یادگیری خلاقیت، یادگیری مبتکر بودن، یادگیری مسئولیت‌پذیری، یادگیری بازتاب‌اندن و انعکاس آموخته‌ها، یادگیری با اراده بودن، یادگیری کنجکاوی، یادگیری هدفمندی، یادگیری برنامه‌ریزی، یادگیری تحرک و پویایی و یادگیری فرهنگ استفاده از تکنولوژی و...

برای هدایت و تربیت چنین یادگیرندگانی، نهضت یادگیری، نیازمند معلمانی تربیت‌یافته و با سابقه است. یاددهندگان که بتوانند در قلمرو عملکرد خود، یعنی کلاس، نقش حاکمی دانا و پیری فرزانه را بازی کنند و رهپویان دانش را به سرمنزل مقصود برسانند. بدین ترتیب، معلمانی موفق به این نوع تربیت می‌شوند که دارای اختیار عمل باشند و در محیطی مناسب و بهنجار، از نظر فکری و آموزشی، با آرامش به تعلیم و تربیت بپردازند. مجموعه‌های آموزشی موجود ما، اعم از مهدکودک‌ها، مراکز پیش‌دبستانی، مدارس و دانشگاه‌ها نیازمند تغییرات اساسی و اختیارات برنامه‌ریزی به‌صورت نیمه‌متمرکز هستند تا تحت لوای برنامه ملی با توجه به چالش‌های منطقه‌ای مانند مسائل اقلیمی و فرهنگی قدرت برنامه‌ریزی و انعطاف در برنامه را داشته باشند (موسی‌پور، ۱۳۷۱) و از این طریق نیروهای فکور، خلاق و با مهارت تفکر انتقادی تربیت کنند. نیروهایی که در قرن بیست‌ویکم یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای بودن و یادگیری برای با هم زیستن را الگوی ذهنی و زبانی خود قرار دهند.

کلاس

کلاس‌ها در مدارس عموماً دارای ابزارها و تجهیزات یکسانی

مانند میز، نیمکت، تخته و... هستند که گویا قرار نیست چهره‌آصل آن‌ها دست‌خوش تغییر شود. البته این مهم نیست، زیرا ظاهر کلاس نیست که باید تغییر کند، بلکه روح پویا و بی‌تکرار کلاس است که نیازمند تغییر مداوم است، در غیر این صورت تفاوت فردی معنا پیدا نمی‌کند، خلاقیت ایجاد نمی‌شود و بالندگی متولد نمی‌گردد.

ارکان جاندار، پویا و مولد کلاس، معلم و دانش‌آموز هستند؛ مؤلفه‌هایی که در سرنوشت خود و دیگران سهم انکارناپذیری دارند. در تمامی اندیشه‌های تعلیم و تربیت چه در متون اسلامی و چه در اندیشه‌ها و نظریه‌های غربی، معلم همچون مادری به حساب می‌آید که خردمندیش باعث تعالی و نابخردیش باعث به قهقرا رفتن جامعه خواهد بود. به همین دلیل است که شغل معلمی را به مثابه شغل انبیا برشمردند. پس، برای شروع، حفظ و ادامه نهضت یادگیری نقش معلم ضروری و غیرقابل اغماض است؛ نقشی که در تمام سطوح برنامه‌ریزی نباید نادیده گرفته شود.

این درحالی است که، متأسفانه، اکثر معلمان ما امروزه در برابر «برنامه‌دستی مقاوم در برابر معلم» فاقد قدرت و تصمیم‌گیری هستند و این یعنی معلم مشارکتی در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌دستی ندارد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳).

با وجود این، مدیران می‌توانند در حد اختیارات خود و قوانین موجود، اقداماتی را، همچون مشارکت دادن معلمان در مدرسه از طریق درس‌پژوهی و اقدام‌پژوهی، تبادل اطلاعات پرورشی و آموزشی با مدارس همجوار انجام دهند و بدین ترتیب فاصله میان طراحی و اجرای برنامه درسی را تا حدی بکاهند. لازم به ذکر است که این امر به دلیل نظام آموزشی متمرکزی که سالیان سال بر کشور حاکم بوده به راحتی امکان‌پذیر نیست و هرگونه اقدامی در این خصوص باید از قبل بررسی شود.

یکی دیگر از مواردی که در نهضت یادگیری از اهمیت بسیار برخوردار است بازنگری در روش‌های تدریس و کلاس‌داری معلمان است. نادیده گرفتن علایق، انگیزه‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان و معلمان، ناخواسته و ناآگاهانه موجب مدرسه‌گریزی، افت تحصیلی و حتی ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌شوند. بنابراین در نهضت یادگیری توجه به معلم، به‌عنوان منتقل‌کننده فرهنگ، همچنین احترام به استقلال حرفه‌ای او در کلاس و مدرسه اهمیت بسزایی دارد. برای موفقیت یک نظام آموزشی معلمان باید نسبت

به شغل خود احساس تعهد کنند و دارای شخصیت مثبت و مهارت‌های میان‌فردی باشند. پس رسیدن به الگوی معلم ذی‌صلاح یکی از مؤلفه‌های مهم نهضت است. در پاره‌ای از پژوهش‌ها، در خصوص نیازسنجی دبیران، آنان اذعان داشته‌اند که در مورد دانش نظری خود نیازی به ارتقای آن ندارند، اما از نظر مهارت‌های فنی و آموزشی همچون آشنایی با روش‌ها و فنون تدریس، افزایش سطح معلومات و کلاس‌داری و مدیریت کلاس، آشنایی با روش‌های ایجاد مطالعه، تحقیق و پژوهش دانش‌آموزی، آشنایی با روش‌های آزمون‌سازی، چگونگی جذب دانش‌آموزان به مسائل دینی و عقیدتی، نحوه پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان، آشنایی با روان‌شناسی آموزش و یادگیری و آشنایی با مراحل هفت‌گانه فناوری اطلاعات و... نیاز به تقویت و یادگیری دارند. (عارفی و همکاران، ۱۳۸۹). با آگاهی از چنین ضعف‌هایی در معلمان، آیا بهتر نیست از حجم مطالب و کتاب‌های درسی کاست و به ساعات دانش‌افزایی معلمان، آن هم نه ضمن خدمت بلکه با میل و اشتیاق خودخواسته از طرف آنان، اضافه کرد؟

با چالش‌ها و مسائل، با تدبیر و همراهی مدیر و معلمان برخورد می‌شود و همین امر خود به الگوی برنامه درسی و آموزشی پنهان برای دانش‌آموزان تبدیل می‌گردد. امروزه در برخی از جوامع آموزشی موفق، مدیران برای معلمان کوشا و با انگیزه پروژه‌هایی آموزشی در نظر می‌گیرند تا از توانمندی نیروهای کارآمد و مؤثر برای اهداف آموزشی و پرورشی مدرسه استفاده بهینه به عمل آید. آنان به همین نسبت برای دانش‌آموزان کوشا نیز تکالیف خلاق و تمرینات پیچیده‌تری طراحی می‌کنند. در هر نهضتی پویایی، حرکت، عزم و اراده طایفه‌داران آن از ضروریات به‌شمار می‌رود، به‌طوری که هرگاه این مؤلفه‌ها نادیده گرفته شوند نهضت دچار ایستایی می‌گردد. نهضت یادگیری باید به‌طور مستمر مورد بازبینی قرار گیرد چرا که ذات و ماهیت آن در گرو بازبینی و نو شدن است و نه در شعار دادن و کهنه شدن.

پینوشت

1. Teacher proof curriculum

مدرسه

سازمان یک مدرسه که مدیر در رأس هرم آن قرار دارد، اگرچه مجموعه‌ای کوچک و محلی تلقی می‌گردد، اما حیطة تأثیر آن از تربیت فرد تا تعالی جامعه گسترده است. به جرئت می‌توان گفت که بدون مکتب‌خانه‌های دیروز و مدارس امروز، نهضت یادگیری معنا پیدا نمی‌کند. مدیران، معاونان، مربیان پرورشی، معلمان و حتی خدمتگزار مدرسه در اکوسیستم یادگیری مدرسه، همگی نقش حیاتی و متقابل دارند. اگرچه مدارس در روزهایی از سال تعطیل هستند اما نباید تربیت هرگز تعطیل نمی‌شود و این خود بدین معناست که مدرسه در ذات خود القاکننده تعلیم و تعلم مادام‌العمر است. مدرسه اولین سازمان رسمی یادگیری در هر جامعه است و لذا مسئولیت آن بسیار خطیرتر از دانشگاه است. مدارس، مولد اصلی و اولیه منابع انسانی هستند. تربیت دانش‌آموزانی توانمند و با انگیزه همراه با مهارت‌های شهروندی نیازمند مدیریتی توانمند و نوآور همراه با اعتمادبه‌نفس و آگاه است. چنین مدیرانی اغلب جو مدرسه را باز نگه می‌دارند و با رفتار صحیح خود موانع و محدودیت‌ها را برای معلمان و برای دانش‌آموزان تبدیل به فرصت‌هایی برای شکوفایی و یادگیری می‌کنند. در مدرسه‌ای که جو سازمانی باز دارد

منابع

۱. برتراند، راسل. ترجمه دستگردی، وحید (۱۳۹۰) مجله ارمان.
۲. شمس‌مورکانی، غلامرضا. گریوانی، کلثومه. (۱۳۹۰). رابطه بین جو سازمانی مدارس و توانمندسازی دبیران. دو فصل‌نامه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی. دوره ۴ شماره ۷.
۳. فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۳). امکان‌سنجی معلمان در مشارکت برنامه‌ریزی درسی. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۸. تابستان.
۴. فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۲). فنون تدریس مؤثر. تهران: آبیژ.
۵. مقیمی، سیدمحمد. خنیفر، حسین و همکاران. (۱۳۸۹). مطالعه و بررسی رابطه بین عوامل آموزشی و افت تحصیلی در میان دانش‌آموزان پسر آموزشگاه‌های راهنمایی. دو فصل‌نامه مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش. دوره ۳، شماره ۴.
۶. مهرمحمدی، محمود و دیگران. (۱۳۸۱) برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها. چاپ اول. تهران: به نشر.
۷. موسی‌پور، نعمت‌اله. (۱۳۷۱) بایدها و نبایدها در برنامه درسی ایران. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.